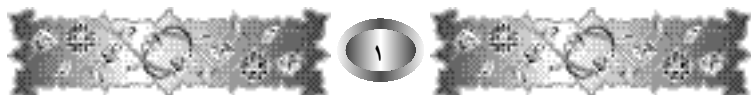


اصول نظام جمهوری اسلامی
از دیدگاه امام خمینی (ره) در کلام مقام معظم رهبری



اندیشه جاوید
(۳)

اصول نظام جمهوری اسلامی
از دیدگاه امام خمینی در کلام مقام معظم رهبری

چاپ اول - لندن ۱۴۲۳ هـ / ۲۰۰۲ م

The Eternal Thought
(3)

The Principles of Islamic Republic System
According to Imam Khomeini (R.A) In The Saying
of the Ayatollah Khamenei

First Published in Great Britain in 2002

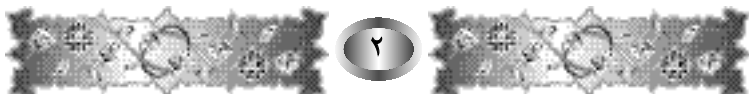


مرکز مطالعات سیاست اسلامی

CENTRE FOR ISLAMIC POLITICAL STUDIES (CIPS)

P.O. BOX: 33003
LONDON W9 1XY, UK
Tel: (44) 207 604 3544
Fax: (44) 207 328 6970
E-mail: info@cipsweb.com
Webstie: www.cipsweb.com

ISBN: 0-9541129-4-6





متن بیانات مقام معظم رهبری
ولی امر مسلمین آیت الله العظمی
سید علی حسینی خامنه ای

بمناسبت دوازدهمین
سالگرد رحلت امام خمینی (قده)
۱۴ خرداد ۱۳۸۰



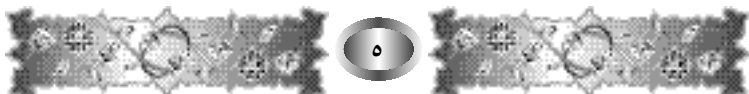
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا وحبیب قلوبنا
أبي القاسم المصطفى مُحَمَّدٍ وعلى آله الأطييين الاطهرين المنتجبين
الهداة المهديين المعصومين سيما بقية الله في الارضين . قال الله الحكيم
في كتابه: «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، وَجَعَلْنَاهُمْ اَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا
وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَكَانُوا لَنَا
عَابِدِينَ».

خداوند متعال در توصیف پیامبران و راهنمایان بشر و کسانی که پرچم
هدایت و ارشاد نسلهای انسانی را بر دوش داشتند، از جمله این
خصوصیات را بیان می کند: اینها طبق خصوصیات ذکر شده در قرآن امام
و پیشوای هدایتند و از سوی خداوند، کار نیک و عمل به خیرات به آنها
وحی می شود؛ اقامه ی صلاة و ایتای زکات می کنند و افتخار بزرگشان
این است که بنده ی خدا هستند و با عمل خود، راه بندگی را به بشریت
تعلیم می دهند.

امام خمینی امام هدایت بود

امروز در دوازدهمین سالگرد غروب خورشید درخشان امامت و ولایت در
دوران معاصر یعنی رهبر عظیم الشان و بزرگوار ما، امام خمینی وقتی در
سیره و عملکرد این مرد بزرگ و جاننشین پیامبران دقت می کنیم،
خصوصیات امام هدایت را در زندگی و سیره و تعلیم او بوضوح
می یابیم. آنچه که امروز برای همه ی ما بسیار اهمیت دارد، این است
که با راه و رسم و تعلیم امام که در واقع تشکیل دهنده ی حقیقی



شخصیت اوست آشنا شویم؛ اگر چه ملت ما بحمد الله این سرمایه ی معنوی را برای خود حفظ کرده است.

شکر نعمت انقلاب اسلامی در پیروی از سیره امام خمینی است

امروز من در این مجمع عظیم، يك بعد از شخصیت امام را به عرض شما برادران و خواهران و همه ی ملت ایران می رسانم؛ چون سیره ی امام بزرگوار فقط بیان شخصیت يك انسان نیست؛ بلکه راهنمای عمل همه ی ملت ایران و مسلمانان جهان است؛ راهنمای عمل همه ی کسانی است که می خواهند در سایه ی اسلام، برای خود زندگی شایسته ی انسانی فراهم کنند. البته ملت ایران بیش از دیگران مخاطب این سخنان هستند؛ زیرا بار امانتی که بر دوش ماست یعنی حفظ دستاورد عظیم این انقلاب يك ویژگی برای ملت ایران است. با حفاظت از این ذخیره ی عظیم، باید شکر این نعمت را بگذاریم.

عناصر اصلی جمهوری اسلامی در دیدگاه امام خمینی

این بعد از شخصیت امام عبارت است از این که امام در ساخت و مهندسی نظام جمهوری اسلامی، همه ی عناصر و اجزایی را که می توانست این نظام را استوار و ماندگار کند، مورد ملاحظه قرار داد و با مهارت تمام این عناصر اصلی را در درون این بنای شامخ و مستحکم کار گذاشت. این عناصر اصلی عبارت است از اسلام، مردم، قانونگرایی و دشمن ستیزی. امام بزرگوار در بنای نظام شامخی که به جای رژیم پوسیده ی سلطنتی در ایران بر سر کار آورد، این عناصر و اجزا را با دقت تمام کار گذاشت؛ در

عمل خود به آنها پایبند و متعهد ماند و در پیام و بیان و تعالیم خود بر آنها پافشاری کرد.

امروز هم مثل بیست و دو سال گذشته، همه ی کسانی که وجد نظام اسلامی را با منافع نا مشروع خودشان ناسازگار می بینند و با آن دشمنی می کنند، بیش از همه با همین چهار عنصر مقابله می کنند. عمده ی تلاش آنها این است که یا عنصر اسلامیت را از نظام بگیرند؛ یا تکیه ی بر مردم را با همان معنای و سیع و بدیعی که امام به آن توجه داشت از نظام سلب کنند؛ یا در بنای قانونی نظام خدشه کنند؛ یا هشیاری و بیداری دایمی در مقابل دشمن را از نظام بگیرند و بیداری را به خواب آلودگی و غفلت تبدیل کنند؛ لذا برای ما این چهار عنصر اهمیت پیدا می کند. من امروز در باره ی هر کدام از اینها نکات کوتاهی را به عرض شما می رسانم.

اصل اول: اسلام گرایی

نکته اول که اصلی ترین عنصر تشکیل دهنده ی نظام است عبارت است از اسلام گرایی و تکیه ی بر مبانی مستحکم اسلامی و قرآنی. خیلی ها از این حقیقت بسیار موثر غفلت کردند؛ اما راز پیروزی انقلاب در این نکته بود؛ چون ملت ایران از اعماق قلب به اسلام معتقد و مومن و وابسته بود و هست. اغلب ملت‌های مسلمان همین طورند؛ اگر موانع از سر راه آنها برداشته شود، ایمان عمیق آنان به اسلام آشکار خواهد شد. لذا وقتی مردم پرچم اسلام را در دست امام مشاهده کردند و باور کردند که امام برای احیای عظمت اسلامی و ایجاد نظام اسلامی وارد میدان مبارزه شده

است، گرد او را گرفتند؛ بعد هم که انقلاب پیروز شد، با همین انگیزه، از روی طوع و رغبت در میدانهای خطر حاضر شدند؛ چون ایمان آنها به اسلام، عمیق بود.

بعضی از کسانی که خودشان را در شمار زبندگان و نخبگان و احزاب سیاسی و صاحب نظران مسائل سیاست به حساب می آوردند، این را نمی پسندیدند. جدای از کسانی که به اسلام عقیده داشتند، اما نظام اسلامی را قبول نمی کردند. لذا از اول انقلاب، در عرض و به موازات خط امام جریانی پیدا شد که به يك نظام لائیک و الگوبرداری شده ی از نظامهای غربی دعوت می کرد. منتها با رنگ و لعاب اسلامی. اسم اسلامی، اما باطن غیر اسلامی. ساخت اسلامی، اما جهتگیری غیر اسلامی. البته آنها بی میل نبودند که در کنار چنین نظامی، آخوند وجیه المله یی هم برای مقبول جلوه دادن نظام در چشم مردم وجود داشته باشد چون مردم به اسلام دل بسته بودند بدشان نمی آمد روحانی مورد قبولی در کنار نظام قرار گیرد تا نظام را در چشم مردم، اسلامی جلوه دهد؛ دولتمردان نظام هم به همان شکلی که خودشان می پسندند و تشخیص می دهند، نظام را به همان صورت غیر اسلامی و در حقیقت شکل بازسازی شده ی رژیم سلطنتی، منتها طبق قبول سیاستمداران و قدرتمندان دنیا اداره کنند؛ ظاهر و رنگ و لعاب دین هم این فایده را برای آنها داشته باشد که نیروهای مردم را در خدمت آنها قرار دهد؛ هر جا به حضور مردم احتیاج است در هنگام جنگ و دفاع و دادن مالیات و غیره همین ظاهر اسلامی مردم را به همکاری با آن نظام وادار کند؛ اما اگر حقوق شرعی مردم تامین نشد، نشد؛ اگر با سلطه گران مبارزه نشد،

نشده؛ اگر استقلال کشور و فرهنگ و اقتصاد مردم در قبضه ی دشمنان قرار گرفت، گرفت!

ولایت فقیه وسیله حضور اسلام در جامعه است

لذا از اولی که امام دستور دادند قانون اساسی به وسیله ی خبرگان منتخب مردم تدوین شود، هر جا که نام اسلام و نشانی از حضور واقعی اسلام بود، اینها مقابله کردند. آن جایی که اصل مربوط به «ولایت فقیه» مطرح شد، اینها بی تابانه مبارزه کردند. البته با ولایتش مخالف نبودند ولایت یعنی حکومت؛ آنها تشنه ی قدرت و حکومت کردن بودند با فقیه اش مخالف بودند؛ چون به معنای حضور حقیقی دین در جامعه بود؛ این را بر نمی تافتند و تحمل نمی کردند، هر جا که نشانه حضور واقعی اسلام بود، اینها معترض بودند.

حکومت اسلامی ضامن عدالت اجتماعی است

امام در مقابل این جریان که خیلی هم مدعی بودند ایستاد؛ روی مبانی اسلام تکیه کرد؛ روی ترکیب و ساخت اسلامی نظام، با جدیت اصرار ورزید؛ چون امام مانند هر کسی که با اسلام آشناست، معتقد بود و امروز هم ما معتقدیم که سعادت و رفاه و آزادی و عزت يك ملت و نیز عدالت و تکیه ی به مردم به معنای واقعی کلمه در سایه ی احکام اسلام تامین می شود. آنهایی که شعار عدالت و مردم سالاری دادند، نشان دادند که نمی توانند حقوق و منافع مردم را عادلانه تامین کنند؛ اما اسلام می تواند این کار را بکند تکیه ی بر اسلام، به معنای ایمان عمیق امام بزرگوار به

رسالت اسلام بود؛ یعنی امروز اسلام می تواند ملتها را نجات دهد.

اسلامیت نظام ضامن عزت ملی است

لذا هم در تدوین قانون اساسی و هم در تمام رهنمودهایی که در طول ده سال زندگی مبارك خود به ملت‌های مسلمان دادند، بر روی اسلام تکیه کردند و همین موجب شد که نظام جمهوری اسلامی با وجود دشمنی‌های بی اندازه ی قدرتهای جهانی، در میان ملت‌های مسلمان، هم طرفداران بی شماری پیدا کند و هم در آنها شوق و امید وانگیزه به وجود آورد و حرکت اسلامی را در سرتا سر جهان اسلام زمینه سازی کند. امروز هم اگر نظام جمهوری اسلامی و مسؤولان و روسای این نظام در دنیا عزت و آبرویی دارند، به برکت اسلام است. چه آنهایی که در دنیا به اسلام معتقدند و چه حتی آنهایی که به اسلام معتقد نیستند، عزتی که برای جمهوری اسلامی و مسؤولان آن قائلند، به خاطر اسلام است. آنهایی هم که به اسلام معتقد نیستند، نقش و نفوذ و تاثیر و اقتدار اسلامی را می شناسند و می دانند؛ و آن کسی که مظهر این اقتدار است، در چشم آنها دارای عظمت و جلال است. امام بر روی اسلام تکیه کرد؛ به اسم اسلام قانع نشد؛ بر این اصرار ورزید که باید قوانین اسلامی در تمام گوشه و کنار دستگاههای دولتی و حکومتی حاکم شود. البته این کار، يك کار بلند مدت بود؛ امام هم این را می دانست که در کوتاه مدت، این مقصود تحقق پیدا نمی کند؛ اما راه را باز کرد و حرکت را شروع نمود و جهت را نشان داد؛ همه فهمیدند که باید به معنای حقیقی کلمه به سمت احکام و تعالیم اسلام و ساخت اسلامی برای نظام و جامعه حرکت

کنند تا بتوانند عدالت را تأمین، فقر را بر طرف و فساد را ریشه کن کنند؛ تا بتوانند دردهای مزمنی را که بر این ملت تحمیل شده است، جبران کنند.

اجرای احکام اسلامی ضامن موفقیت حکومت است

امروز بنده به عنوان کسی که با آمار و ارقام و واقعیات دستگامهای حکومتی از نزدیک آشناست، به شما مردم عزیز عرض می‌کنم؛ هر جا که ما با قاطعیت، معرفت و روشن بینی، احکام اسلام را بر سر دست گرفتیم، دنبال آن حرکت کردیم و صادقانه خواستیم اسلام را پیاده کنیم، موفق شدیم؛ اما هر جا ناکامی و ضعفی وجود دارد، بر اثر این است که ما در آن مورد، از اسلام و حکم اسلامی و ترتیب اسلامی غفلت کرده ایم. هم در زمینه ی اقتصادی، هم در زمینه ی سیاسی، هم در زمینه ی بین المللی و هم در زمینه ی تربیتهای صحیح مردمی، امروز هر جا که ضعف و ناکامی بی مشاهده می شود، اگر کسی دقت و ریشه یابی کند، به این جا می رسد که در این نقطه، دستور اسلام و حکم اسلامی مورد توجه قرار نگرفته است. امام می دانست که اگر ما به اسلام متمسک شویم، هم عزت دنیا، هم رفاه مادی، هم قدرت سیاسی، هم آسایش و هم امنیت عمومی برای مردم پدید خواهد آمد؛ لذا امام اسلامیت را به معنای حقیقی کلمه در بافت نظام اسلامی و این بنای مستحکم و شامخ گذاشت.

اصل دوم: مردم سالاری دینی

عنصر دومی که امام به آن حد اکثر توجه را کرد، عنصر «مردم» بود. تقریباً در همه نظامهای حکومتی در دنیا، از مردم صحبت می شود؛ هیچ کس نمی گوید که من می خواهم بر خلاف مصلحت مردم کار کنم؛ حتی رژیمهای استبدادی سلطنتی موروثی. هیچ کس نمی گوید که من می خواهم بر خلاف میل مردم عمل کنم؛ بنابراین ادعای مردم گرایی وجود دارد؛ اما مهم این است که حقیقتاً در کجا برای مردم شان و منزلت و حق و نقش قائل می شوند. وقتی امام بر روی عنصر «مردم» تکیه می کرد، لفاظی نمی کرد؛ به معنای حقیقی کلمه به اصالت عنصر «مردم» در نظام اسلامی معتقد بود و مردم را در چند عرصه مورد توجه دقیق و حقیقی خود قرار داد.

عرصه های نمود مردم سالاری دینی

۱- انتخاب مسؤولان نظام توسط مردم

عرصه ی اول، عرصه تکیه ی نظام به آرا مردم است. تکیه ی نظام به آرا مردم، یکی از میدانهایی است که مردم در آن نقش دارند؛ حضور مردم و اعتقاد به آنها باید در این جا خود را نشان دهد. در قانون اساسی ما و در تعالیم و راهنماییهای امام، همیشه بر این نکته تاکید شده است که نظام بدون حمایت و رای و خواست مردم، در حقیقت هیچ است. باید با اتکا به رای مردم، کسی بر سر کار بیاید. باید با اتکای به اراده ی مردم، نظام حرکت کند. انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات خبرگان، انتخابات مجلس شورای اسلامی و انتخابات دیگر، مظاهر حضور رای و اراده و

خواست مردم است؛ این یکی از عرصه هاست. لذا امام بزرگوار، هم در دوران حیات خود بشدت به این عنصر در این عرصه پایبند باقی ماند؛ هم در وصیت نامه ی خود آن را منعکس و به مردم و مسوولان توصیه کرد. در حقیقت انتخابات و حضور مردم در صحنه انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس و یا سایر انتخابهایی که می کنند، هم حق مردم است، هم تکلیفی بر دوش آنهاست. در نظام اسلامی، مردم تعیین کننده اند؛ این هم از اسلام سرچشمه می گیرد.

آمیختگی اسلامیت و مردم سالاری در نظام جمهوری اسلامی

مساله ی اساسی که بنده بارها بر آن تاکید کرده ام، این است که اسلام گرایی در نظام اسلامی، از مردم گرایی جدا نیست. مردم گرایی در نظام اسلامی، ریشه ی اسلامی دارد. وقتی ما می گوییم «نظام اسلامی» امکان ندارد که مردم نادیده گرفته شوند. پایه و اساس حق مردم در این انتخاب، خود اسلام است؛ لذا مردم سالاری ما که مردم سالاری دینی است دارای فلسفه و میناست. چرا باید مردم رای دهند؟ چرا باید رای مردم دارای اعتبار باشد؟ این متکی بر احساسات تو خالی و پوچ و مبتنی بر اعتبارات نیست؛ متکی بر يك مبنای بسیار مستحکم اسلامی است. پس یکی از عرصه هایی که امام همواره بر آن تاکید می کرد و آن را در ساخت نظام اسلامی کار گذاشت و برای همیشه آن را ماندگار کرد، مساله ی حضور مردم در انتخاب مسوولان نظام و منتهی شدن مسؤولیتها به اراده و خواست مردم است.

۲- مسؤولیت دولتمردان در برابر مردم

عرصه ی دوم، عرصه ی تکلیف مسؤولان در قبال مردم است. وقتی ما می گوییم (مردم)، معنایش این نیست که مردم بیایند رای بدهند و مسؤول یا نماینده یی را انتخاب کنند؛ بعد دیگر برای آن مردم هیچ مسؤولیتی وجود نداشته باشد؛ صرفاً همین باشد که اگر کسی می خواهد برای مردم کاری بکند، به این خاطر باشد که مردم بار دیگر به او رای دهند؛ مساله این نیست. در اسلام و نظام جمهوری اسلامی، فلسفه ی مسؤولیت پیدا کردن مسؤولان در کشور این است که برای مردم کار کنند. مسؤولان برای مردمنده و خدمتگزار و مدیون و امانتدار آنها هستند. مردم محورند. کسی که در نظام جمهوری اسلامی مسؤولیتی به دست می آورد باید همه ی هم و غمش برای مردم باشد؛ هم برای دنیای مردم، هم برای مادیت مردم، هم برای معنویت مردم، هم برای ایجاد عدالت در میان مردم، هم برای احیای شأن انسانی مردم، هم برای آزادی مردم؛ اینها جزو وظایف اصلی حکومت است.

اولویت کار جمهوری اسلامی

رسیدگی به طبقات مستضعف جامعه است

البته وقتی می گوییم (مردم)، منظور همه ی طبقات مردمنده؛ لیکن بدیهی است که آن کسانی از مردم باید بیشتر مورد توجه قرار گیرند که بیشتر مورد محرومیت قرار گرفته اند؛ لذا امام دائماً روی طبقات محروم و پاهرنگان کشور تکیه می کردند، این غریب است که کسی ادعا کند برای مردم کار می کند؛ اما در عمل، کار او برای طبقات مرفه باشد، نه

برای طبقات مستضعف و محروم. نه این که نباید برای طبقات مرفه کار کرد؛ آنها هم از حقوق عمومی کشور باید بهره مند شوند؛ اما به آن کسی که محرومیت دارد و دستش از حقوق خود خالی مانده است، باید بیشتر توجه و همت و تلاش را اختصاص داد؛ لذا امام به طور دایم بر حقوق مستضعفان و محرومان و پابرهنگان تکیه می کردند. عملاً هم در تمام مدت پیروزی انقلاب تا امروز و قبل از آن، کسانی که بیش از همه سینه سپر کردند، از نظام دفاع کردند، سختیهای نظام را به جان خریدند و در مقابل دشمنان ایستادند، طبقات محروم و پابرهنگه و مستضعفان جامعه بوده اند؛ اینها باید بیش از دیگران مورد توجه قرار گیرند.

۳- مشارکت دادن مردم در اداره کشور

عرصه ی سوم که باز بر محور مردم حرکت می کند عبارت است از بهره برداری از فکر و عمل مردم در راه اعتلای کشور؛ یعنی استعدادها را شکوفا کردن و معطل نگذاشتن. از اوایل انقلاب، همیشه امام خطاب به جوانان، دانشجویان، متفکران کشور و کسانی که دارای استعداد بودند، می گفت که به خودتان ایمان بیاورید؛ نیروی خودتان را باور کنید و بدانید که می توانید، این درست در مقابل تعلیمی بود که در دوران طولانی استبداد در این کشور، تلقین می شد که مردم ایران نمی توانند. ما در دوران انقلاب هم دیدیم همان کسانی که اسلام را به معنای حقیقی خود باور نداشتند، به این معنا هم باور نداشتند؛ همیشه چشم آنها به بیرون مرزهای کشور بود و به مردم و تواناییهای آنها اعتقاد نداشتند. این فکر و این توجه را هم امام در این نظام نهادینه کرد، که استعدادهای

جوان این کشور، احساس توانایی کنند؛ و شما بعد از انقلاب هر چه از نشانه های علم و پیشرفت علمی و صنعتی در کشور مشاهده می کنید، ناشی از این است. هر جا که نشانه های و ایستگی مشاهده می شود که به معنای تحقیر ملت ایران و استعدادهای اوست ناشی از نقطه ی مقابل این تفکر است.

۴- مردم حق آگاهی از حقایق را دارند

عرصه ی چهارم در خصوص توجه امام به مردم، عبارت است از لزوم آگاه سازی دایمی مردم. خود امام در سنین بالای عمر با حال پیر مردی از هر فرصتی استفاده کرد برای این که حقایق را برای مردم بیان کند. در دستگاههای تبلیغاتی جهانی، نقش تحریف و گمراه سازی، نقش فوق العاده خطرناکی است، که امام به آن توجه داشت. و سایل ارتباطی فکری نامطمئن و وابسته ی به دشمنان کشور و ملت، امام را وادار می کرد که هم خود او به طور دایم در موضع تبیین و ارشاد و هدایت مردم قرار گیرد و هم به دیگران دایما توصیه کند که حقایق را به مردم بگویند و افکار آنها را نسبت به حقایقی که دشمن سعی می کند آنها را مکتوم نگهدارد، آشنا کنند، این که ما دایما به صاحبان بیان و قلم و تربیونهای مختلف توصیه می کنیم که هدف و همت خود را بر تبیین صحیح حقایق قرار دهند، برای این است.

امروز دشمن، درست در موضع مقابل این نقطه ی اساسی اسلامی کار می کند. از اوایل انقلاب، یکی از اهداف مهم دشمن، تحریف حقایق و تاریخ بود. اگر يك وقت در داخل کشور حنجره یا قلم مزدوری پیدا

می شد که حقایق جنگ و انقلاب و اسلام را تحریف می کرد، می دیدید فریادهای تشویق از اطراف دنیا بلند می شود، امروز هم همین طور است. امروز هم اگر در داخل کشور کسانی به خاطر خوش کردن دل استکبار و راضی کردن دشمنان اسلام و این ملت و این کشور چیزی بگویند و بنویسند که در آن تحریف اسلام و تاریخ انقلاب و چهره های انقلاب باشد، می بینید که در دنیا از طرف دستگاههای تبلیغاتی استکبار برای او هو را می کشند و او را تشویق می کنند! تبیین، موضوع بسیار مهمی است. انسانها تابع بینش و دید خودشان هستند؛ اگر کسی بتواند حقایق را در چشم مردم تحریف کند، یعنی در واقع عمل و بازو و اراده ی مردم را به سمت گمراهی کشانده است؛ این همان چیزی است که دشمن می خواهد. امروز اگر کسانی علیه اسلام و مقدسات و مجاهدتهای این ملت قلمفرسایی کنند و چیزی بنویسند، اگر کسانی علیه بهترین فرزندان این کشور یعنی شهیدان ما و مجاهدان راه خدا اظهار نظری بکنند و ریشی بجنبانند، اگر کسانی علیه بسیج و جهاد و شهادت حرفی بزنند و چیزی بنویسند، می بینید مورد تشویق رادیوها و سیاستمداران و نویسندگان خارجی قرار می گیرند. امروز همه ی افراد، چه کسانی که بیاناتشان در حوزه های وسیع کاربرد دارد، چه کسانی که در حوزه های کوچکتر سخنانشان موثر واقع می شود، مثل مدرسه و کلاس و دانشگاه و محیطهای کارگری و غیره مسؤولند و اگر دیدند حقایق و محکمات اسلام و انقلاب مورد تحریف قرار می گیرد، وظیفه دارند تبیین کنند؛ نباید سکوت کنند؛ امام به این نکته خیلی توجه کردند؛ و این یکی از چیزهایی است که راز استحکام و پایداری نظام در

آن مندرج است .

اصل سوم: حاکمیت قانون

عنصر سومی که برای امام اهمیت داشت، نظم و قانون بود؛ لذا حتی قبل از آن که انقلاب به پیروزی برسد، امام دولت معین کردند؛ انقلابهای دنیا یا کودتاهایی که به اسم انقلاب در دنیا به وجود می آمد که دهه های میانی قرن گذشته ی میلادی از این گونه انقلابها پر بود هیچکدام این طور نبودند. وقتی در کشوری انقلاب می شد یا انقلاب حقیقی یا کودتایی به اسم انقلاب مدتها از دولت و تشکیلات دولتی و نظم دولتی خبری نبود؛ يك گروه به نام مسؤولان انقلاب، زمام کشور را در دست می گرفتند و طبق میل و تشخیص خودشان هرطور بود عمل می کردند. در انقلاب اسلامی، امام اجازه نداد این طور بشود؛ حتی از قبل از پیروزی انقلاب دولت تعیین کرد تا نظم وجود داشته باشد. با این که آن وقت شورای انقلاب هم بود، امام خواستند با شکل قانونی و منطقی کشور اداره بشود. اصل تشخیص این که چه نظامی در کشور بر سر کار بیاید، این را امام به عهده ی رفراندم و آرای عمومی گذاشتند؛ این هم در دنیا سابقه نداشت. در هیچ انقلابی در دنیا، ما نشنیدیم و ندیدیم که انتخاب نوع نظام را آن هم در همان اوایل انقلاب به عهده ی مردم بگذارند. هنوز از پیروزی انقلاب دو ماه نگذشته بود که امام همه پرسى در باره ی نظام اسلامی را اعلان کردند؛ که مردم به نظام جمهوری اسلامی رای دادند. چند ماه از پیروزی انقلاب نگذشته بود که امام گفتند باید قانون اساسی نوشته شود؛ آن کار هم نه به وسیله ی جمعی که خود

امام معین کنند، بلکه باز به وسیله منتخبان مردم صورت گرفت. مردم اعضای مجلس خبرگان را که منتخبان مردم بودند انتخاب کردند تا قانون اساسی تدوین شود؛ باز مجددا همان قانون را به رای مردم گذاشتند. هنوز يك سال از پیروزی انقلاب نگذشته بود که مردم در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کردند؛ بعد از مدت کوتاهی هم مجلس شورای اسلامی به راه افتاد. بنابراین از اول، مبنای کار انقلاب بر نظم و قانون بود. آن کسانی که با این ترتیب منطقی انقلاب نمی توانستند کنار بیایند، یا نمی توانستند تحمل کنند که این انقلاب این گونه قدم به قدم منطقی حرکت کند، در همه ی این موارد اخلاص کردند. تفاله های آنها امروز هم انقلاب را به بی قانونی متهم می کنند! این مظهر نظم و قانون بود؛ در هیچ جای دیگر دنیا، در این انقلابهایی که اتفاق افتاده است چه در انقلابهای این قرن و چه قبل از آن چنین چیزی دیده نشده است؛ این را باید مغتنم شمرد. پایبندی به نظم و قانون و مسؤولیتهای قانونی قوا باید مورد احترام همه باشد.

تفوق قانون اساسی بر سایر قوانین

اگر شما امروز می بینید که با تبلیغات و تحریک دشمنان، در هر برهه یی از زمان، قوای قانونی کشور مورد تعرض تبلیغاتی قرار می گیرند، این دنباله ی همان دشمنی یی است که از اول با اساس نظم و قانون در جمهوری اسلامی وجود داشت و امام مقابل آنها ایستاد. ما همیشه این را تاکید کرده ایم و باز هم تکرار می کنیم، وظایفی که در قانون اساسی برای قوای سه گانه و مسوولان قانونی معین شده، معتبر و

محترم است و همه باید در مقابل این قانون حالت تسلیم داشته باشند. بی قانونی به شکلهای مختلفی خود را نشان می دهد؛ یکی از آنها همین است که علیه اساس و ترتیبات قانون اساسی مبارزه ی تبلیغاتی شود و لجن پراکنی صورت گیرد و به مسوولیتهای قانونی در هر بخشی از بخشها بی احترامی گردد؛ این آن چیزی است که از اول انقلاب دشمنان امام و اسلام بر روی آن پا فشاری می کردند و امام در مقابل آن ایستاد.

اصل چهارم: سلطه ستیزی

عنصر اساسی چهارم که امام آن را در پایه های نظام جمهوری اسلامی کار گذاشت و بحمد الله مایه ی ماندگاری نظام شد مساله ی دشمن ستیزی و سلطه ستیزی است. امام يك لحظه نه خود از کید و مکر و حيله ی دشمن غفلت کرد، و نه گذاشت که مسؤولان غفلت کنند، نظامی مثل نظام جمهوری اسلامی که منافع دستگاههای استکباری دنیا را در این نقطه ی از عالم و در بسیاری از کشورهای اسلامی تهدید کرده است، بدیهی است که مورد دشمنی است. در ایران عزیز ما اینها سالهای متمادی مثل ماری بر روی منابع ملی و دستگاههای سیاسی کشور چنبره زده بودند. در نظام سلطنتی غاصب و وابسته، مگر کسی جرأت داشت به کسانی که وارد این کشور شده بودند تا ملت را تحقیر و فقیر و منابع او را غارت کنند و او را عقب مانده نگهدارند، اندک اهانتی بکنند؟! کسی جرأت نداشت به آنها بگوید بالای چشمتان ابروست! امریکاییها و صهیونیستها و دیگر غارتگران و چپاولگران دنیا، در کمال امنیت و آرامش به ایران می آمدند، می رفتند و می بردند؛ سیاست کشور، در

دست آنها؛ آمدن و رفتن حکومتها، در دست آنها؛ آوردن و بردن شاه مملکت، در اختیار آنها؛ تعیین نخست و زیران، با صوابدید آنها؛ و موضعگیریهای سیاسی کشور، تماماً در جهت خواسته ها و منافع آنها بود. نظام جمهوری اسلامی آمد و این بساط را به کل به هم ریخت. امام می دانست که این دشمن ساکت نمی نشیند و تعرض می کند. اگر در برهه یی تعرض کرد و تودهنی خورد، موقتاً عقب نشینی می کند تا باز تعرض کند؛ لذا باید هشیار و بیدار بود. امروز من متاسفانه می بینم که کسانی طبق خواسته ی آن دشمنان تبلیغ می کنند که این توهم است! دشمن همین را می خواهد که مردم، مسوولان، کارگزاران حکومت، اداره کنندگان کشور و طراحان و قانونگذاران امور زندگی مردم، از تهدید دشمن غفلت کنند؛ نباید اجازه داد؛ باید دشمن و شیوه های دشمنی او را شناخت؛ این آن چیزی است که باید برای همیشه به یاد ما بماند و امام بر روی این نکته تاکید می کردند. این که می دیدید امام می فرمود: «هرچه فریاد دارید، بر سر آمریکا بکشید»، به خاطر این است.

رعایت اصول چهارگانه ضامن بقای نظام است

برادران و خواهران عزیز! جوانان عزیز من! ملت عزیز ایران! اینها چهار نقطه ی قوت اساسی است؛ هم مردم و هم مسوولان باید قدر اینها را بدانند. این چهار عنصر موجب پایداری نظام است. این چهار عنصر موجب آن است که هیچ وقت دشمن نتواند به این نظام ضربه بزند. هر جا ما از این چهار عنصر غفلت کردیم، ضربه خوردیم. اگر ضربه ی

اقتصادی خوردیم، اگر عقب ماندگی اقتصادی پیدا کردیم، اگر در زمینه های سیاسی دچار ضعفی شدیم، بر اثر غفلت از این عناصر بوده است. آن جایی که پیشرفت کردیم، آن جایی که عزت به دست آوردیم، آن جایی که توانستیم موانع را از سر راه برداریم، آن جایی که دشمن را نا کام کردیم، به خاطر تکیه ی بر این عناصر بوده است؛ نگذارند و نگذارید این عناصر از دست مردم برود و مورد تهاجم قرار گیرد؛ نگذارید دشمن به میل خود، راه را برای تسلط مجدد بر این کشور هموار کند. هشیاری مسؤولان کشور و آحاد مردم لازم است.

سخنی درباره انتخابات اخیر ریاست جمهوری

من به همین مناسبت در پایان عرایضم به مسأله ی بسیار مهم انتخابات اشاره کنم. انتخابات مظهر حضور مردم است. انتخابات، هم حق مردم و هم وظیفه ی آنهاست. حق مردم است؛ برای این که بیایند و مدیر اجرایی کشور را انتخاب کنند. تکلیف مردم است؛ چون با حضور شما، نظام تقویت پیدا می کند؛ اسلام عزیز می شود؛ حاکمیت اسلام در دنیا سرفراز می گردد و توطئه ی دشمن که اسلام را به جدایی از آرا مردم متهم می کند باطل می شود. حضور شما می تواند دفاع از اسلام و کشور و انقلاب محسوب شود. هر مقدار این حضور وسیعتر و قوی تر باشد نشانه ی اقتدار بیشتر نظام اسلامی است.

۱- لزوم مشارکت بالای مردم در انتخابات

نظام اسلامی در مقابل چشمهای دوستان و دشمنان خود در دنیا به این می‌بالد که تعداد حاضر شوندگان در پای صندوقهای رای، زیاد است؛ این مایه‌ی افتخار نظام اسلامی است. همه‌ی کسانی که در مقابل اسلام و آینده‌ی این کشور احساس مسؤولیت می‌کنند، وظیفه دارند که در این آزمایش الهی شرکت کنند. البته این حضور باید آگاهانه و از روی تحقیق و با به دست آوردن حجت بین خود و خدا باشد. آن کسی که رای می‌دهد و فردی را انتخاب می‌کند، باید بر طبق تشخیص باشد؛ این تشخیص را به دست آورید و ان شاء الله با قاطعیت در این آزمایش الهی شرکت کنید.

۲- لزوم برگزاری آرام انتخابات

بحمد الله در طول این بیست و دو سال، همه‌ی انتخاباتهای ما در محیط آرام برگزار شده است. کسانی که از خارج از این مرزها می‌خواهند خواست و اراده‌ی شوم خودشان را بر این کشور و این مردم حاکم کنند، اولاً خواسته اند مردم در انتخابات شرکت نکنند و انتخابات بی رونق باشد؛ ثانیاً اگر انتخابات صورت می‌گیرد، با آشوب و دعوا و تنازع و درگیری همراه باشد؛ اما مردم در طول این بیست و دو سال هر وقت انتخاباتی بوده است، با آرامش خود توی دهن دشمن زده اند و این بار هم به امید خدا و با همت شما مردم عزیز باید همین طور باشد. ان شاء الله دولتی که بر اساس این انتخاب تشکیل می‌شود، خود را خادم اسلام و مردم و در صف اول مقابله‌ی با دشمنان بداند و این کشور و این ملت را

يك قدم بلند به آرمانهای اسلامی که مایه ی سعادت و خوشبختی مردم است نزدیک کند. هم همت کنید و هم از خدای متعال بخواهید که به شما و مسؤولان کمک کند تا بتوانند این وظایف بزرگ را انجام دهند. پروردگارا! به محمد و آل محمد، رحمت و مغفرت و رضوان و فضل خود را بر روح مطهر امام بزرگوار ما نازل و او را با اولیای خود محشور کن. پروردگارا! فرزند خدمتگزار و مطیع او مرحوم حاج آقای احمد آقا و فرزند بزرگوار دیگر ایشان مرحوم حاج آقا مصطفی را با اولیای محشور کن.

پروردگارا! شهدای عزیز ما را که پیروان امام و دلبستگان به آن بزرگوار بودند، با شهدای کربلا و امام آنان محشور کن.

پروردگارا! خیر و لطف و رحمت و فضل خود را بر این ملت نازل کن و آنها را در تجربه ی انتخابات و در همه ی امتحانات بزرگ موفق و پیروز و سربلند بگردان. پروردگارا! قلب مقدس ولی عصر را از ما راضی و خشنود کن و ما را مشمول دعای آن بزرگوار قرار بده.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.